

نام‌های مدینه منوره

احمد زمانی

مدینه میزبان بزرگترین شخصیت عالم انسانیت و خاتم انبیاء است.

مدینه پایگاه دوم رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - و محل پیدایش امامت صالحین بر

روی زمین است.

مدینه در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - مصدر مرانگی، تعهد، راستی،

صداقت، فضیلت و کرامت بوده است، پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - برایش دعا کرد:

«بار خدایا! برکت را بر مدینه نازل گردان...» سپس فرمود: «سوگند به آن کسی که جان من در

دست اوست هر راه و کوره راهی که به مدینه منتهی شود، دو ملک از آن حفاظت و پاسبانی می‌کنند.»^۱

شاعر فارسی زبان، با ذوق پر حلاوتش مدینه منوره و صاحب لولاک را چنین توصیف می‌کند:

ای ختم رسل مدینه جسم است تو جان نام تو گرفته قاف تا قاف جهان

در لفظ مدینه بس ز اعجاز تو چون مه شق شده و گرفته دین را به میان

مدینه منوره از جهت وجود پر برکت رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - و دربرداشتن

چهره‌های معصوم دیگر همچون فاطمه اطهر - سلام الله علیها - و ائمه غریب بقیع - امام مجتبی،

زین العابدین، محمد باقر و جعفر بن محمد الصادق - علیهم السلام - دارای نام‌های گوناگونی است که

هر کدام بیانگر مفاهیمی ژرف و بلند است. کثرت نام‌های مدینه برگشت به عظمت و بزرگی آن شهر دارد، این نام‌ها براساس ارتباط و علاقه موجود این شهر و آن مفاهیم پی ریزی شده که در بعضی شدت علاقه سبب شهرت آن گردیده و در بعضی دیگر که وابستگی و ارتباط ضعیفی دارد بر زبان‌ها کمتر جاری شده و چه بسا غیر حقیقی تلقی شود.^۲

ما در این نوشتار برای مدینه رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - ۹۰ نام به ترتیب الفبا ذکر می‌کنیم و ذیل بعضی از آنها توضیحاتی را به همراه روایات می‌آوریم زیرا اکثر آنان بر اساس وحی - آیات قرآن - و یا فرمایشات رسول خدا - ص - نام گذاری شده، جوینده برای دستیابی بیشتر می‌تواند به کتبی که در پاورقها معرفی می‌شود مراجعه کند.

۱- اَنْزِب: نام دیگری از خانواده «یثرب»^۳ است که توضیح آن خواهد آمد.

۲- اَرْضُ اللَّهِ: بعضی از مفسرین عامه مانند ثعلبی، مقاتل، مجاهد و قتاده در تفسیر آیه شریفه «ألم تكن أرض الله واسعة فتهاجروا فيها»^۴ گفته‌اند: مقصود از «أرض الله» مدینه منوره است^۵ و بعضی دیگر از علمای شیعه و سنی آن را مطلق زمین معنا کرده‌اند و توضیح داده‌اند: توصیف «أرض الله» به «وأسعة» بیانگر مطلق زمین است و بر همین اساس دستور هجرت را به هر جایی که بتوانند دینشان را حفظ کنند، داده است.^۶

۳- اَرْضُ الْهَجْرَةِ: زمینی که در آن هجرت تحقق پیدا کرد، رسول خدا - ص - به همراه عده‌ای از مسلمانان از مکه مکرمه به مدینه منوره هجرت کردند که آنان را «مهاجرین» نامیدند و کسانی که در مدینه پناه دادند نیز «انصار» نامیده شدند.

بنابر نقل طبرانی پیغمبر اکرم - ص - مدینه را «أرض الهجرة» نامیدند.^۷

۴- ۵- أَكَاةُ الْقُرَى، و به عبارت دیگر: أَكَاةُ الْبُلْدَانِ می‌باشد رسول خدا - ص - فرمود: «أمرتُ بقرية تأكل القرى»^۸ مأمور شدم به روستا و شهری بروم که اهل آن به خاطر اسلام آوردنشان بر شهرهای دیگر چیره خواهند شد و خداوند آنان را یاری خواهد کرد.

علمای اهل حدیث، این روایت را دو گونه تفسیر کرده‌اند:

۱- مدینه مرکز اصلی لشکریان اسلام بوده است و از آنجا به سایر شهرها و بلاد غیر مسلمان

که در فکر توطئه علیه اسلام بر می آمدند، حمله می شد و بعد از پیروزی، اموال غنیمتی و اسیران به مدینه منتقل می شد.

۲ - مخارج شهر مدینه در آن روز از طریق پرداخت مالیات شهرهای دیگری که توسط مسلمانان فتح شده بود تأمین می گردید و لذا آن را «أَكَاةُ الْبِلْدَانِ» و یا «أَكَاةُ الْقَرَى» نامیده اند.^۹

۶ - الْاِيْمَان: در تفسیر بیضاوی آمده است: مدینه را «ایمان» می گویند؛ زیرا مردم مدینه منوره الگو، نمونه و مظهر ایمان بوده اند.^{۱۰}

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب گفته است: خدای سبحان برای مدینه دو نام قرار داده: ۱ - دار ۲ - ایمان^{۱۱}

۷ - الْبَاؤَةُ (الْبَرَّةُ): معنای دوواژه یکی است. مقصود از آن دو، زیادی برکات و فیضی است که شامل مردم مدینه منوره و همه مردم جهان می شود.

سمهودی می گوید: از آنجا که مدینه منوره سرچشمه اسرار معنوی و محل درخشش انوار الهی و برکات نبوی است «الْبَرَّةُ» نامیده شده است.^{۱۲}

۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - «الْبَحْرُ»، «الْبَحْرَةُ»، «الْبَحِيرَةُ» و «الْبُحَيْرَةُ»

چهار واژه فوق بر مدینه منوره اطلاق گردیده است. یا قوتی می گوید: «استبحار» و «بحر» به سرزمین وسیع گفته می شود و «البحر» به روستا نیز اطلاق شده است.^{۱۳}

در حدیثی آمده است سعد بن عبادة آنصاری هنگامی که مریض شده بود، رسول خدا - ص - به عیادتش رفت، آن حضرت پس از احوالپرسی و عیادت او، از برخورد ناخوشایند «عبدالله بن ابی بن سلول» گله کرد. سعد عذر خواهی نمود و برای او درخواست بخشش کرد و گفت:

«اعف عنه يا رسول الله و اصفح ... و لقد اصطلح أهل هذه البحيرة أن يُتَوَجَّهَ فيعصَّبوه بالعصابة.»^{۱۴}

ای رسول خدا او را ببخشید و از او بگذرید... زیرا مردم این بحیره بر این نوع برخوردها عادت کرده اند و خوشنودند.

سعد بن عبادة مدینه را «بُحَيْرَةُ» نامیده که در حقیقت تصغیر «بحر» است.

۱۳- البَلَاط:

معمولاً به سرزمین سنگ فرش «بلاط» گفته می‌شود، و همچنین بر قسمتی خاص از بین مسجد النبی - ص - و بازار مدینه منوره بلاط گفته شده است، در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - بر جنازه مسلمانان در آن موضع نماز می‌گزارند که آنجا را «بَطْحَاء» نیز می‌نامیدند.^{۱۵}

بَلَاطَةُ الْحَمْرَاءِ یا حجر السماق به سنگی اطلاق شده که علی بن ابی طالب - علیه السلام - در میان کعبه معظمه بر روی آن به دنیا آمده است و الآن آن سنگ در نزدیکی درب کعبه می‌باشد.^{۱۶}

حاکم نیشابوری از علمای بزرگ اهل سنت در مورد ولادت آن حضرت در میان کعبه مدعی تواتر اخبار است،^{۱۷} و صاحب وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی در اشعاری که به همین مناسبت سروده در بعضی ابیات می‌گوید:

فِي دَاخِلِ الْكَعْبَةِ زَيْدَتٌ شَرَفًا
مَعْرُوفَةٌ زَادَتْ بِذَاكَ قَدْرًا^{۱۸}

مَوْلَاهُ بِمَكَّةٍ قَدْ عُرِفَا
عَلَى زُحَامَةٍ هُنَاكَ حَمْرًا

۱۴- الْبَلَدُ:

در تفسیر آیه شریفه «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ»^{۱۹} قرطبی می‌گوید: خداوند قسم می‌خورد به شهری که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - با زندگی و وفاتش به آن شهر شرف و برکت عنایت کرد و آن مدینه منوره است.

تفسیر فوق را قاضی؛ عیاض بن موسی بن عیاض بن عمرو بن یحصبی سبّتی. مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.^{۲۰}

۱۵- بَلَدُ رَسُولِ اللَّهِ:

یکی از دیگر نامهای مدینه «بَلَدُ رَسُولِ اللَّهِ» است. بَرَّاز عالم بزرگ حنفی از علی بن ابی طالب - علیه السلام - نقل می‌کند که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود:

«إِنَّ الشَّيَاطِينَ قَدْ يَنْسَتْ أَنْ تَعْبُدَ بِلَدِي هَذَا - يَعْنِي الْمَدِينَةَ - وَبِجَرِيرَةِ الْعَرَبِ، وَلَكِنَّ التَّخْرِيشَ بَيْنَهُمْ».

همانا شیاطین مایوس گردیدند از این که در مدینه و جریره العرب هوا خواه و عبادت کنند داشته باشند. ولیکن در میان مردم ایجاد نفاق کردند.^{۲۱}

۱۶ - «بیت رسول الله»؛ خانه رسول خدا - ص -

مرحوم طبرسی - ره - در تفسیر آیه شریفه «كما أخرجك ربك من بيتك بالحق وانّ فريقاً من المؤمنين لكارهون»^{۲۲} می فرماید: مراد بیرون رفتن رسول خدا - ص - از مدینه منوره به جنگ بدر است. و بر مدینه کلمه «بیتک» که خطاب به رسول خدا است - اطلاق شده است. و به عبارت دیگر «بیتک»؛ یعنی بیت رسول الله - ص -^{۲۳}

۱۷ - التّین: واژه «تین» بر میوه انجیر اطلاق شده است، ابی ذر - ره - از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - نقل می کند که فرمود: اگر گفتم در میان میوه ها میوه ای از بهشت آمده همانا آن «انجیر» است؛ زیرا میوه های بهشتی بدون هسته می باشد. پس از آنها بخورید که بواسیر را از بین می برد و ورم مفصل ها را کم خواهد کرد.^{۲۴} خدای - سبحان - در سوره ۹۵ به آن قسم یاد کرده است. (والتین و الزیتون).

امام موسی بن جعفر - علیهما السلام - از اجداد گرامش نقل می کند که رسول خدا - ص - فرمود: «انّ الله اختار من البلدان أربعة، فقال: - عز وجل - «والتین والزیتون و طور سینین، و هذا البلد الامین»^{۲۵} التین؛ المدینه، والزیتون؛ بیت المقدس، و طور سینین؛ الکوفه، و هذا البلد الامین؛ مکه.»^{۲۵} همانا خدا برگزید از میان شهرها، چهار شهر را: اول تین که همان مدینه منوره است. دوم زیتون که مراد بیت المقدس است. سوم طور سینین که کوفه است و آخری بلد امین که مکه معظمه می باشد.

۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - جُبَار، جَابِرَه، جَبَّارَه، مَجْبُورَه.

اولی از نامهای چهارگانه بر وزن «جُزَام» است که آن را ابن شَبّه با اعتماد بر حدیث نبوی نقل کرده^{۲۶} و سه نام دیگر را سمهودی و ابن شَبّه نقل می کنند و نسبت به کتاب تورات می دهند. این چهار نام به دو جهت بر مدینه اطلاق شده:

۱ - فقیر و ورشکسته در این شهر بی نیاز می گردید.

۲ - مدینه منوره دیگر شهرهای غیر مسلمان را مجبور به قبول دین مبین اسلام می نمود.

۲۲ - ۲۳ - «جَزیره»، «جزیره العرب»

ابو داود از رسول خدا - ص - نقل می کند که فرمود: «أخرجوا المشركين من جزيرة العرب»^{۲۷}.

عباس - ره - می‌گوید: با رسول خدا - ص - از مدینه خارج شدیم، آن حضرت رو به سوی مدینه نموده، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ - تعالی - قد بَرَأَ هذه الجزيرة من الشرك»^{۲۸} به قرینه روایت دوّم، گفته شده که مراد از جزیره العرب در حدیث اوّل، همان مدینه منوره است، گرچه از مالک بن انس نقل شده که مقصود «حجاز» می‌باشد.

۲۴ - جَنَّة؛ سپری که انسان را از بلاها حفظ می‌کند. در روایات آمده است که رسول خدا - ص - در غزوه أُحُد فرمود: «أَنَا فِي جَنَّةٍ حَصِينَةٍ»^{۲۹}؛ من در قلعه و حصار محافظت شده، هستم. همین روایت را مسند أحمد بن حنبل با تفاوت مختصری نقل می‌کند که جابر بن عبد الله انصاری گفت رسول خدا - ص - فرمود: «رَأَيْتُ أُنَى فِي دَرَعِ حَصِينَةٍ وَرَأَيْتُ بَقْرًا تَنْحَرُ»؛ «خواب دیدم که در میان ذره‌ی محکم مصون و محفوظم و دیدم گاوی را قربانی می‌کنند» سپس خواب خود را تأویل نمود که درع حصینیه مدینه است و گاو همان گاو است و سپس فرمود: خیر و نیکی در دست خداست.^{۳۰}

۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - «حَبِيبَه»، «مُحِبَّه»، «مُحِبَّيَه»، «مُحَبُّوبَه»: این چهار نام از ماده واحد «حَبَبٌ» گرفته شده و معنای مشترکی دارند. که می‌توان گفت: شئی دوست داشتنی. و علت نامگذاری روایت ذیل است.

رسول خدا - ص - از خداوند در خواست کرد تا دوستی مدینه را در دلش جایگزین کند، فرمود: «اللهم حَبِّبِ الْيَنَّا الْمَدِينَةَ كَمَا حَبَّبْتَ الْيَنَّا مَكَّةَ أَوْ أَشَدَّ»^{۳۱} بار خدایا دوستی مدینه را در قلب ما جای ده، همانگونه که مکه را برای ما محبوب قرار دادی و یا بیشتر از آن. باید گفت روایات زیادی مضمون فوق را تأیید می‌کند.

۲۹ - ۳۰ - حَرَمٌ، مُحَرَّمَةٌ: جایی است که از مصونیت و تقدس خاصی برخوردار است و انجام بعضی از اعمال در آن ممنوع می‌باشد همان طوری که از رسول خدا - ص - نقل شده که فرمود: «الْمَدِينَةُ حَرَمٌ فَمَنْ أَحْدَثَ فِيهَا حَدَثًا أَوْ أَوْىَّ مُحَدَّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.....».

«مدینه حرم است، پس کسی که حادثه‌ای بوجود آورد یا بوجود آورنده حادثه را پناه دهد نفرین خدا بر او باد.»^{۳۲}

جمیل بن درّاج از امام صادق - علیه السلام - سؤال کرد که مقصود از «حادثه» در کلام رسول

خدا - ص - چیست؟ فرمود: مراد «قتل و کشتار» است.^{۳۳} و به همین قرینه می توان گفت که مقصود از «مُحَدِّث»، قاتل می باشد.

در بعضی از روایات نیز آمده است که نبی گرامی - ص - فرمود: «أَنَّهَا حَرَمٌ أَمِنٌ»؛ «مدینه حرمی است که از مصونیت برخوردار است.»^{۳۴}
از ماده «ح، ر، م» واژه دیگری به نام: «المُحَرَّمَة» نیز بر مدینه اطلاق گردیده است.

۳۱- حَرَمُ رَسُولِ اللَّهِ - ص -

نام دیگر مدینه «حَرَمُ رَسُولِ اللَّهِ - ص -» است؛ زیرا خود فرمود: «إِنَّ مَكَّةَ حَرَمَ اللَّهِ حَرَمِهَا إِبْرَاهِيمَ - ع - وَإِنَّ الْمَدِينَةَ حَرَمِي ...»؛ «همانا شهر مکه حرم خداست که ابراهیم آنجا را حرم قرار داد و همانا مدینه حرم من است.»^{۳۵}
امام صادق - علیه السلام - از قول جدش امیرالمؤمنین - ع - فرمود: «مکه حرم خدا و مدینه حرم رسول الله است و سپس فرمود کوفه حرم من است، هیچ زورگو و ستمگری دست به کشتار در این سه مکان نخواهد زد مگر اینکه خدای - سبحان - او را مغلوب می کند.»^{۳۶}

۳۲- حَسَنَة

در تفسیر آیه شریفه: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوئَتِهِمْ فِي الدِّينِ حَسَنَةٌ وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^{۳۷} آمده است که خداوند در دنیا به مهاجران از مکه - بعد از آنکه فشار زیادی را تحمل کردند - حَسَنَة؛ یعنی مدینه را عنایت کرد.

فخر رازی از قول راویانی همچون: قتاده، شعبی و حسن نقل می کند که مقصود از حسنه در آیه شریفه «مدینه» است.^{۳۸}

مرحوم طبرسی همین مطلب را از قول ابن عباس نقل می کند.^{۳۹} و گروهی دیگر از مفسرین حسنه را «بلدة حسنه» که همان مدینه باشد معنا کرده اند.^{۴۰}

۳۳- ۳۴- حَیْرَة و حَیْرَة: هر دو نام از یک ماده هستند؛ یکی با فتح خا و تشدید رای مکسوره و دیگری با کسر خا و تخفیف یای مفتوحه. از آن جهت که شهر مدینه دارای خیرات زیادی است و در روایت آمده است: «وَالْمَدِينَةُ خَيْرٌ لِهَمَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» مدینه برای أهلش خیر فراوان دارد. بر همین اساس مدینه را حَیْرَة و حَیْرَة - نامیده اند.^{۴۱}

۳۵- دَارُ الْأُبْرَارِ: جایگاه نیاکان و انسانهای شایسته همچون مهاجرین و انصار بویژه در سال هفتم هجرت که «قلعه‌های خیبر» بدست لشکریان اسلام فتح شد در مدینه تحولی بوجود آمد و حاکمیت و کثرت جمعیت از آن مسلمانان گردید.^{۴۲}

۳۶- ۳۷- دَارُ الْمُخْتَارِ: منزلگاه انتخاب شده. رسول خدا - ص - مدینه را منزلگاه دوم خود اختیار نمود که مقداری از زندگی را در آنجا سپری کرد، و مرگش نیز در آنجا واقع شد. که بر این اساس مدینه را «مختاره» هم می‌نامند.^{۴۳}

۳۸- دَارُ الْإِيمَانِ: در واژه «ایمان» توضیح داده شد. و در روایات دیگر با همین هیئت ترکیبی هم آمده است چنانکه می‌خوانیم رسول خدا - ص - فرمود:

«المدینة قبة الاسلام و دار الایمان و أرض الهجرة و مَبْوَأُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ».

شهر مدینه همانند گنبدی، مظهر و نمایانگر دین مبین اسلام می‌باشد، که «دارایمان» و سرزمین هجرت و محل احکام خدا (حلال و حرام) است.^{۴۴}

۳۹- دَارُ السُّنَّةِ: محلی که شریعت قانون خدا در آن جا تدوین شده و لباس عمل پوشیده.^{۴۵}

۴۰- دَارُ السَّلَامَةِ: همان زرهی است که انسان جنگجو را به هنگام مبارزه، از گزند دشمن حفظ می‌کند. رسول خدا می‌فرماید: «در خواب خودم را در مقابل حیل‌های دشمنان در درع حصینه دیدم و سپس فرمود تأویل و تعبیر آن، بودنم در مدینه است.»^{۴۶} خدای - سبحان - رسول گرامیش را در مدینه منوره حفظ نمود.

۴۲- ذَاتُ الْحُجْرِ: ^{۴۷} مدینه دارای خانه‌های زیادی بود که از آن جهت «ذات حُجْر» نامیده شد و مفرد آن «حُجْرَة» است که جمع آن بر دو هیئت «حُجْرَة و حُجْرَات» آمده؛ مانند عَرَفَة به معنای خانه و اطاق که جمع آن «عُرَف و عُرفَات» شده است.

۴۳- ذَاتُ الْحِرَارِ: حِرَار جمع «حِرَة» است که به سنگ‌های سیاه اطلاق گردیده و از آن جهت که مدینه دارای سنگ سیاه فراوانی است «ذات حِرار» نامیده شد.

۴۴ - ذَاتُ النَّخْلِ: مدینه دارای درختهای خرماى فراوانی بوده که الآن هم نخلستان‌های آن گواه است و در لسان بعضی مانند ابن توأم حمیری^{۴۸} و عمران بن عامر از مدینه تعبیر به ذات نخل شده و در روایتی آمده است: «أُرِيتُ دَارَ هَجْرَتِي ذَاتَ نَخْلٍ وَ حُرَّةً»^{۴۹} بر من روشن گشت که محلّ مهاجرت من دارای درختهای خرماى زیاد و سنگهای سیاه فراوانی است.

۴۵ - السَّبْلَقَةَ: این نام گرفته شده از کتاب تورات است که آن را ابوعبدالله محمد بن أحمد بن أمین اقصهری نقل نموده است. و جهت این نام دوری شهر مدینه از کوههای اطراف آن است.^{۵۰}

۴۶ - سَيِّدَةُ الْبُلْدَانِ: مدینه در میان شهرها و بلاد جهان، بعد از مکه معظمه برترین آنهاست آنجا سید المرسلین و خاتم النبیین را در خود دارد. بنابر نقل ابونعیم اصفهانی در کتاب «حلیة الاولیاء» فرزند عمر بن خطاب رو به مدینه کرد و گفت: «یا طیبیة یا سَيِّدَةَ الْبُلْدَانِ».^{۵۱} معمولاً این بر زبان صحابه جاری شده است.

۴۷ - الشَّافِيَةَ: مدینه را شافیه نامیده‌اند؛ زیرا که رسول خدا - ص - فرمود:
«ترابها شفاء من كلِّ داء»؛ «خاک مدینه دواى هر دردی است». ابن مُسَدَى^{۵۲} می‌گوید:
چنانچه نامهای مدینه منوره را نوشته و برگردن مریض مبتلای به تب بیاویزند، شفا می‌یابد.^{۵۳}
نامهای مدینه گناهان را از بین می‌برد و شخص مبتلی به گناه را از ناراحتیهای آن شفا می‌بخشد.
این اثیر از سعد نقل نموده، آنگاه که پیامبر به همراه یاران از غزوه «تبوک» برگشتند، فضای مدینه منوره در اثر حرکت رزم آوران و اسبانشان غبار آلود شده بود عده‌ای از مردم مدینه به همراه بعضی از کسانی که بر اثر تنبلی، کسالت و یا امور دیگر تخلّف کرده و در مدینه مانده بودند، به استقبال حضرت و یارانش آمده و در آن هنگام بعضی از یاران رسول خدا - ص - که با پارچه‌ای جلو بینی خود را گرفته بودند. رسول خدا - ص - پرده از جلو صورت کنار زد و فرمود:
«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِي غُبَارِهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ».

«سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست، همانا گرد و غبار مدینه شفای هر دردی

است.»^{۵۴}

۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲- «طَابَة»، «طَيْبَة»، «طَيْبَة»، «طَائِب»، «مُطَيَّبَة»

این پنج واژه از یک ریشه و خانواده هستند که از نظر هیأت و صیغه، تفاوت مختصری دارند. دو هیأت طَابَة و طَيْبَة - در روایتی که از ابن شَبَه نقل شد، گذشت. جابر بن سمره نسبت به واژه اَوَّل (طابَه) می‌گوید: شنیدم رسول خدا - ص - فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى - سَمَّى الْمَدِينَةَ طَابَةَ». ۵۵

«خداوند - تعالی - مدینه را «طابَة» نامیده است.»

بعضی از این اسامی مانند «مُطَيَّبَة، طَائِب و طَيْبَة» در تورات وارد شده است. سمهودی می‌گوید: این اسامی پنجگانه در حقیقت بیانگر آیه شریفه «حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفَلِكِ وَجَزَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ»^{۵۶} می‌باشد؛ زیرا باد گوارا و دلنشین بعد از مناجات و استغاثه جهت نجات از کشتی بوده است و خاک مدینه همان باد گوارا را داراست.

۵۳-۵۴- طَبَابَا، طَبَابَا

حموی می‌گوید: یکی از نامهای دیگر مدینه «طَبَابَا» است که بر سرزمین مستطیل شکل اطلاق می‌شود و «طَبَابَا» از ماده - طَبَّ و ظَبْظ به معنای سرزمین گرم و داغ است،^{۵۷} خدای سبحان - به برکت دعای رسول الله - ص - گرمای شدید آن را منتقل به جحفه نمود.^{۵۸}

۵۵- العاصمه: سمهودی می‌گوید: از آن جهت که مدینه مهاجرین وانصار را حفظ کرد، رسول خدا - ص - آن را «جَنَّة حَصِينَة»؛ «سپر نگهدارنده» نامید، رسول خدا - ص - و یارانش در آن جا در امان بودند. که آنجا را عاصمه به معنی معصومه نامیده‌اند.

۵۶- العذراء: این واژه نیز از تورات نقل شده است. بر مدینه (عذراء) اطلاق گردیده؛ زیرا از آن سرزمین با دشمنان اسلام سخت برخورد شد تا به دست صاحب حقیقی آن؛ رسول خدا - ص - رسید.^{۵۹}

۵۷- العرَاء: از آن جهت که ساختمان‌های شهر مدینه کوتاه بود و سعی می‌شده است تا از خانه رسول خدا - ص - مرتفع تر و بلندتر نگردد، تشبیه به شتری شده است که دارای کوهان کوچکی است و یا اصلاً کوهان ندارد.

و در حدیث آمده است: «فَكَرِهَ أَنْ يَعْرِوا الْمَدِينَةَ»، «دوست نداشت خانه‌های مدینه طوری باشد که در فضا پیدا شود.»^{۶۰}

أزهری می‌گوید: «عُرِي» مردانی بزرگ بودند که ضعفا به آنان پناه برده و در سایه آنان زندگی می‌کردند.^{۶۱} باید گفت: از آن جهت که بعد از رسول خدا - ص - مردم مستضعف زیادی رو به مدینه آوردند، تا در پناه آن حضرت زندگی سعادت‌مندی داشته باشند مدینه را «عُرِي» نامیده‌اند.

۵۸- العَرُوض: (بر وزن صبور) به سرزمینی اطلاق می‌شود که دارای پستی‌هایی است که سیل بر آنها جاری می‌شود و سرزمین مدینه دنباله صحرای نجد است و سیلهای وادی نجدگاه بر آن جاری می‌گردد. خلیل گفته است: مدینه را از این جهت عروض نامیده‌اند.^{۶۲}

۵۹- العَرَاء: این کلمه أفعال التفضیل و مؤنث «أَعْرَأَ» است که بر سفیدی جلو پیشانی اسب اطلاق می‌شود. به آن «عُرَاه» هم گفته شده و همچنین به معنای زیبایی و نجابت و بزرگواری است که این اوصاف کریمه در مدینه رسول الله - ص - جمع است و این شهر بر سایر شهرها شرافت و در مقابل آنها برجستگی و درخشندگی دارد.^{۶۳}

۶۰- غَلْبَه: مدینه را قبل از اسلام «غَلْبَه» می‌نامیدند؛ زیرا در دوران جاهلیت، یهود بر عمالقه غلبه پیدا کردند و سپس قبایل اوس و خزرج بر یهود غالب شدند و آنگاه بعد از ظهور اسلام مهاجرین و انصار بر آنان غالب و پیروز گردیدند.^{۶۴}

۶۱- فاضحه: دیگر نام از نامهای مدینه «فاضحه» است. کُرَاع می‌گوید: از آن جهت که افراد فاسد العقیده با پوشش نفاق نمی‌توانند در آنجا به زندگی خود ادامه دهند بلکه رسوا و مفتضح می‌گردند، فاضحه نامیده می‌شود و چه بسا این مفاد و معنای جمله معروف «تنفی خبثها»^{۶۵} می‌باشد.

۶۲- القاصمه: این واژه از کتاب تورات نقل گردیده و از آن جهت به مدینه قاصمه گفته شده که دشمنان ستمگری که بدانجا تجاوز کردند، خود شکست خوردند و نابود گردیدند.

۶۳- قَبَّةُ الاسلام: این واژه برگرفته از حدیث شریف معروفی است که به نقل از مجمع الزوائد ذکر

گردید (المدينة قبة الاسلام...) ۶۶

۶۴-۶۵- القرية، قرية الأنصار: قریه (با فتح قاف و کسر آن) بر شهری اطلاق گردیده که مردمش را جمع کرده و نیازمندیهای آنان را برمی آورد. و به تعبیر اهل لغت: «المصر الجامع».

ابو هلال عسکری گفته است: عرب به هر شهر کوچک و بزرگی - قریه - اطلاق می‌کند. ۶۷ شاهد بر گفته او ۵۴ مورد از آیات قرآنی است که بر شهرهای بزرگ و کوچک اطلاق «قریه» نموده و در آیه شریفه «لولا نزل هذا القرآن على رجل من القریتین عظیم» ۶۸ مقصود از قریتین «دو شهر» مکه معظمه و طائف است. ۶۹

و لغویها بر مدینه منوره «قریه الانصار» گفته‌اند، جمع آن قُرَى و قَرَى است. ۷۰ و در حدیث منقول از عباس - ره - «انَّ الله قد طهر هذه القرية من الشرك» بر مدینه قریه اطلاق گردیده است. ۷۱

۶۶- قریه رسول الله - ص - : نسبت دادن قریه و یا مدینه به رسول خدا - ص - امری است طبیعی و عادی و بر زبان راویانی همچون طبرانی جاری گشته است.

أحمد بن حنبل و طبرانی نقل می‌کنند: که دجال سیر می‌کند تا می‌رسد به مدینه منوره و در آنجا جلوش گرفته شده و اجازه ورود داده نمی‌شود، و سپس می‌گوید: «هذه قرية ذاك الرجل» که در اینجا قریه؛ یعنی همان مدینه، به رسول خدا - ص - نسبت داده شده است. ۷۲

۶۷- قلب الايمان: ابن جوزی در حدیث «المدينة قبة الاسلام»، «قلب الايمان» را نیز اضافه نموده است. ۷۳

۶۸- مؤمنه: ابن زبale روایتی نقل می‌کند که رسول خدا - ص - فرمود: «والذی نفسی بیده ان تریتها لمؤمنة»؛ «قسم به کسی که جان و روان من در دست اوست، همانا خاک مدینه محل امن و امان و آرامش است.» آنگاه می‌گوید: در کتاب تورات نیز بر مدینه «مؤمنه» گفته شده است. ۷۴

۶۹- مبارکه: انس می‌گوید: رسول خدا - ص - آنگاه که به مدینه منوره داخل شد و در جلو منزل ابو ایوب انصاری - ره - نزول اجلال فرمود ۷۵ این آیه شریفه را بر زبان جاری و قرائت نمود: «رَبِّ أَنْزَلْنِي مَنْزِلًا مَبْرُكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمَنْزِلِينَ» گویا فرمود: مدینه جایگاه پر برکت و مبارکی است. ۷۶ و همچنین

برای این شهر دعا کرد و درخواست برکت نمود، که «مبارک» و «مبارکه» نامیده شد. در آغاز این نوشتار، دعای گرامی آن حضرت را با سندهای مختلف ذکر کردیم.^{۷۷}

۷۰- مَحْبُورَةٌ: از مادهٔ «حَبَرَ» گرفته شده که معنای آن، شادی و سرور زیاد به همراه نعمت می‌باشد. «محبِزًا» به زمینی گفته می‌شود که گیاهانش سریع رشد می‌کند و باعث برکت و خیر بسیار است.^{۷۸} و در آیهٔ کریمه قرآن آمده: «وهم فی روضةٍ یُحْبَرُونَ».^{۷۹}

در تفسیر مجمع البیان آمده: مؤمنین و صالحان در بهشت متنعمند و در سرور و خوشنودی کامل بسر می‌برند.^{۸۰} پس وجه نامگذاری به مَحْبُورَه با نعمتهای فراوان در این شهر روشن و آشکار است.

و بعضی گفته‌اند: نام گذاری مدینه به محبوره از جهت «علاقه حال و محلّ» است؛ زیرا بر اساس روایت حسنه‌ای، سلمان فارسی از فاطمه زهرا - س - نقل می‌کند که رسول خدا - ص - ملقب به «محبور» گردیده بود. سلمان می‌گوید: فاطمه اطهر - س - فرمود: به من تعلیم داد پدر بزرگوارم این دعا را:

«بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ الذِّی یَقُولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فیکون... بِسْمِ اللَّهِ الذِّی أَنْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ بِقَدْرِ مَقْدُورٍ فِی کِتَابِ مَسْطُورٍ عَلَی نَبِیِّ مَحْبُورٍ».^{۸۱}

محبور در اینجا به معنای مسؤولیت پذیری که تمام جهات حسنه را داراست. می‌باشد.

۷۱- مَحْرُوسَةٌ: جَنَدِی در کتاب «فضائل المدینه» می‌گوید: یکی دیگر از نامهای مدینه «محروسه» می‌باشد که در حدیث از رسول خدا - ص - وارد شده که فرمود: «المدینة مشتبکة بالملائکة علی کلّ نقب منها ملک یحرسها».

مدینه حفاظت و پاسداری می‌شود به واسطه فرشتگانی که بر سر هر یک از راههای منتهی به آن، نگهبانی می‌دهند^{۸۲} و لذا آن را «محروسه» نامیده‌اند.

۷۲- محفوفة: از آن جهت که مدینه را برکات الهی و ملائکه رحمتش احاطه نموده‌اند، محفوفه نامیده شده، رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: «المدینة و مکة محفوفتان بالملائکة علی کلّ نقب منها ملک لاید خلها الرجال و لا الطاعون».^{۸۳}

«گرداگرد شهر مدینه و مکّه را فرشتگان فرا گرفته‌اند و او را از شرّ دجال و امراض گوناگونی

همچون طاعون حفظ خواهند نمود.»

۷۳ - محفوظه: خدای - سبحان - مدینه را مصون و محفوظش داشته و آرامگاه حبیبش محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم - را در آنجا قرار داده است. رسول خدا - ص - فرمود: «القریة المحفوظة أربع: المدينة و مكة و ایلیا و نجران» شهرهای حراست شده چهار تا است: مدینه، مکه، ایلیا و نجران. گویا حفاظت و امنیت این چهار شهر تضمین شده است.^{۸۴}

۷۴ - مُذْخَلٌ صِدْقٌ: از دیگر نام‌های مدینه «مُذْخَلٌ صِدْقٌ» است. (در آیه شریفه «رَبِّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ...»^{۸۵}) تفسیر مجمع البیان برای این کلمه چهار توجیه ذکر می‌کند؛ در وجه دوم می‌گوید: مُذْخَلٌ صِدْقٌ «مدینه منوره است که خدای سبحان رسول گرامیش را با عزت و شوکت داخل مدینه نمود و سپس به مکه معظمه با فتح و سر بلندی باز گرداند. این وجه را نسبت به ابن عباس، حسن بصری، قتاده و سعید بن جبیر داده است.^{۸۶}

۷۵ - ۷۶ - المدینه، مدینه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم -

واژه مدینه بر مجتمعی اطلاق می‌شود که تعداد خانه‌های آن از روستا بیشتر باشد و همچنین به شهری که در برگیرنده حوائج خود باشد (المصرالجامع) مدینه گفته می‌شود.^{۸۷}

این واژه در قرآن کریم ۱۴ مرتبه تکرار شده که تقریباً در ۴ مورد آن «یثرب»؛ مدینه رسول الله - ص - قصد شده است. در کتاب‌های لغت مدینه برای دهها شهر علم گشته است و لکن یثرب را «مدینه منوره» معرفی نموده‌اند.^{۸۸}

هر کسی را به مدینه منوره نسبت دهند «مدنی» می‌نامند و چنانچه به شهرهای دیگری همچون بغداد که «المدینه» معروف است نسبت دهند «مدینی» گفته می‌شود.^{۸۹} واژه مدینه (یثرب) بارها بر زبان رسول خدا و ائمه معصومین - علیهم السلام - جاری گشته است؛ همان گونه که فرمود:

«اللَّهُمَّ حَبِّبِ الْيَنَّا الْمَدِينَةَ كَمَا حَبَبْتَ الْيَنَّا مَكَّةَ...»^{۹۰}

امام صادق - علیه السلام - فرمود: «لَمَّا دَخَلَ النَّبِيُّ الْمَدِينَةَ خُطِّ دُورَهَا بِرَجْلِهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ مِنْ بَاعِ رِبَاعِهِ فَلَا تَبَارِكْ لَهُ.»

پیغمبر اکرم - ص - آنگاه که وارد مدینه شد، خانه‌های اطراف آن را شناسائی کرده، فرمود، خدایا! هر کس خانه‌های مدینه را از جهت بی‌اعتنایی به این شهر بفروشد بر او مبارک مگردان.^{۹۱}

باید گفت چه بسا نام مدینه برای این شهر قبل از ورود رسول خدا - ص - بر سر زبان مردم این

شهر جاری بوده است؛ زیرا آنگاه که رسول گرامی اسلام - ص - بر مدینه وارد شد مردم ضمن خواندن اشعار ذیل او را استقبال می نمودند:

طلع البدر علينا من ثنّيات الوداع و جب الشکر علينا ما دعا لله داع
جئت شرف المدینة مرحبا یا خیر داع^{۹۲}

و شاید این نام (مدینه) را خود رسول خدا - ص - قبل از ورودش بر این شهر «یثرب» گذارده است.^{۹۳} و همچنین «مدینه» در کلام خود رسول خدا - ص - به حضرتش نسبت داده شد، همانطوری که در نامه‌های شماره ۱۵ و ۳۳ و ۶۸ گذشت.

۷۷ - ۷۸ - مَزْحُومَه، مَزْزُوقَه: از کتاب تورات نقل شده که مدینه را مرحومه نامیده‌اند؛ زیرا جایگاه مبعوث و فرستاده پروردگار به همراه رحمت می‌باشد و برکات الهی به واسطه این سرزمین بر دیگر زمینها فرود می‌آید. و نیز «مرزوقه» نامیده شده؛ زیرا بهره و حظ اهل آن، به برکت رسول خدا - ص - زیاد گردیده است.^{۹۴}

۷۹ - مسکنیه: این نام از نامه‌ایی است که رسول خدا - ص - بر مدینه نهاد - و همچنین از تورات نقل شده که مدینه را مسکنیه نامیده‌اند. و از آن جهت مسکنیه نامیده شده که مساکین و نیازمندان به حضرت حق، در آن می‌زیسته‌اند.^{۹۵}

۸۰ - مسلمه: از دیگر نامه‌های آن مسلمه است که صاحب معجم بلاذری آن را نقل کرده است.^{۹۶} زیرا مردم مدینه در مقابل خدا و رسولش مطیع بودند و آنها در یاری رسول خدا - ص - کوتاهی نکردند.

۸۱ - مضجع رسول الله - ص -

در حدیث از رسول خدا - ص - نقل شده: فرمود: «المدینة مهاجری و مضجعی فی الارض» مدینه محلّ هجرت و خوابگاه من در روی زمین است.^{۹۷}

۸۲ - مقدسه: مدینه رسول الله - ص - چون از شرک و آلودگیها پاک شد و بودن در آن سرزمین؛ در جوار رسول الله، سبب می‌شود که گناهان معصیت کار ریخته گردد از این رو «مقدسه» نامیده شد.^{۹۸}

۸۳- مَقَرَّ: این اسم بر وزن «مَمَر» است و از «قرار» اشتقاق پیدا کرده است. انس بن مالک نقل می‌کند: هر گاه رسول خدا - ص - از سفری به مدینه منوره باز می‌گشت چون وارد شهر می‌شد برای خود و دیگران چنین دعا می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا بِهَا قَرَارًا وَرِزْقًا حَسَنًا».

«بار خدایا مدینه را برای ما مقرر و پایگاه ثابت قرارده و در آن روزی نیکو عنایت فرما».^{۹۹}

۸۴- مُوقِيَه: مدینه را «مُوقِيَه» نامیده‌اند؛ زیرا حقوق میهمانان را ادا می‌کند، و با آب شیرین و گوارا و هوای مناسب و نعمتهای فراوان و معنویت از واردین پذیرایی می‌نماید و همان طوری که در روایات آمده بود؛ خاکش دردها را شفا می‌بخشد و غبارش جذام را از بین می‌برد.^{۱۰۰}

۸۵- نَحْر: (با فتح نون و سکون حاء) عَلَم برای سرزمین مدینه منوره است و همچنین عَلَم برای مکه معظمه می‌باشد و جمع نحر «نَحَار» است؛ یعنی رنگهای مختلف و گوناگون که به بازار پر متاع و رنگارنگ اطلاق می‌شود که مدینه و بازارش چنین بوده است. و گفته شده اطلاق این اسم به جهت شدت حرارت در مکه و مدینه است.^{۱۰۱}

۸۶- هَذْرَاء: ابن نجّار به نقل از تورات بدل از «عذراء»، «هذراء» را ذکر کرده او می‌گوید: این سرزمین به جهت زیادی شدت گرمایش «هذراء» نامیده شده است، همانطوری که گفته می‌شود: «یوم هاذِرْ»؛ «روز بسیار گرم». یا به جهت زیادی آب های آن، این نام بر آن نهاده شده.

أرض هاذِرَة: یعنی زمینی که دارای گیاهان و درخت فراوان است که سرزمین مدینه در حجاز از این جهت ممتاز است.^{۱۰۲}

۸۷- يَثْرِب:

از نامهای قدیمی مدینه، «یثرب» است. ابوالقاسم زجاجی می‌گوید: اولین کسی که در این سرزمین سکونت گزید. یثرب بن قانیة بن مهلائیل بن ارم بن عبیل بن عوض بن ارم بن نوح - علیه السلام - بود که به نام او این سرزمین «یثرب» شد ولیکن چون رسول خدا - ص - بر این شهر فرود آمد نامش را - طیبه و طابة - گذاشت.^{۱۰۳} ابوعبیده گفته است: مدینه رسول خدا در گوشه‌ای از یثرب واقع شد.^{۱۰۴}

در هر صورت «یثرب» از نظر لغوی از ماده «ثَرَبٌ» به معنای فساد یا از تخریب گرفته شده به معنای جبران و مؤاخذه بواسطه گناهی که انجام شده. و یا بر می‌گردد به کسی که این شهر را بنا کرد و او انسانی غیر موحد بود^{۱۰۵} که رسول خدا - ص - آن اسم را دوست نداشت لذا آن را طابۀ و یا طیبه نامید.^{۱۰۶}

۸۸ - ۸۹ - یَنْدَدُ، یَنْدَرُ. (تَنْدَدُ، تَنْدَرُ)

اولین اسم «یَنْدَدُ» از نامهای فوق در روایت زید بن اسلم ذکر گردیده؛ زیرا رسول خدا - ص - فرمود: «للمدينة عشرة أسماء؛ هی؛ المدينة، طَبِیَّة، طابَة، مسکینة، جبار، مجبورة، یندد، و یثرب»^{۱۰۷}

و فیروز آبادی در کتاب خود می‌گوید: «یَنْدَدُ» از نَدَدُ می‌باشد که مدینه منوره است و در ماده: «نَدَرُ» می‌گویند یَنْدَرُ مانند هیئت حیدر است که بر مدینه منوره نیز اطلاق می‌شود.^{۱۰۸} و در بعضی از کتب تاریخی نقل شد. که این دو نام «تندد» و «تندر» می‌باشد.^{۱۰۹} و در پایان نامهای مدینه، کلام سید مرتضی علم الهدی - قدس الله روحه - را ذکر می‌کنم که فرمود: از نامهای مدینه منوره است نامهای ذیل:

یَثْرِب، طَبِیَّة، دار، مِسْکِیْنَة، جَابِزَة، مَخْبُورَة، مَحَبَّة، مَخْبُوبَة، غَذْزَاء، مَزْحُومَة، قَاصِمَة، یَنْدَد.^{۱۱۰}

۹۰ - که او هم نام دیگری بر نامها؛ یعنی «جایزه» اضافه می‌کند.

این مجموعه نامهای حقیقی و مجازی بود که از کتب روایی و تاریخی شیعه و اهل سنت و همچنین قرآن کریم و دیگر کتب آسمانی استفاده شد و در کنار هر یک مقداری از لطافتها و دقایقی که مضامین احادیث و یا اظهار نظر اهل لغت بوده، ذکر کردیم بطور مسلم این آخرین بحث و بررسی نیست؛ زیرا مدینه منوره و وجود رسول گرامی اسلام و چهره‌های تابناک آسمان امامت و ولایت، آن قدر بلند مرتبه هستند که فردی همچون من نمی‌تواند رفعت و جلالت و اوصاف آن سرزمین را بیان کند.

در پایان با قلبی آکنده از حب از راهی دور درود خالصانه خود را به خاتم پیامبران - ص - و فاطمه اطهر - سلام الله علیها - و ائمه معصومین - ع - در بقیع اهداء می‌کنیم و آرزوی استشمام آن غبار طیبه را در زیارت‌های متعدد مدینه داریم. باشد تا ذخیره‌ای برای روز فقر و تنگدستیمان (قیامت) گردد.

پی‌نوشتها:

- ۱ - وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، سمهودی، ج ۱، ص ۶۲ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۳؛ صحیح مسلم، ج ۲، کتاب الحج، باب ترغیب فی السکنی، ص ۱۰۰۱.
- ۲ - در شرح مختصر، تفتازانی، علم البیان، ص ۱۵۶؛ انواع علاقه را در نام گذاری - وجه تسمیه - بیان می‌کند.
- ۳ - لسان العرب، ج ۱، ص ۲۳۴، ماده: ثرب.
- ۴ - نساء: ۹۷. به مستضعفین در مکه گفته می‌شد: چرا مهاجرت نکردید تا در حفظ دین در وسعت باشید.
- ۵ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۰.
- ۶ - المیزان، ج ۵، ص ۵۰.
- ۷ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۲۹۸.
- ۸ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۰۶، ح ۱۳۸۲.
- ۹ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۰۶، باب المدینه تنفی شرارها - لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۳ ماده: أکل.
- ۱۰ - انوار التنزیل و أسرار التأویل، بیضاوی، ج ۲، ص ۴۸۱، سوره: حشر: ۸.
- ۱۱ - تاریخ المدینه المنوره، ابن شبه، ج ۱، ص ۱۶۲.
- ۱۲ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۲.
- ۱۳ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۲.
- ۱۴ - صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، ج ۳، ص ۱۴۲۳، ح ۱۷۹۸ - صحیح بخاری، کتاب التفسیر، ۴۵۶ - بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۹، ح ۳، باب ۱۷.
- ۱۵ - قاموس محیط، فیروز آبادی، ج ۲، ماده: بَلَطَ.
- ۱۶ - مجمع البحرین، طریحی، ج ۱، ماده: بلط.
- ۱۷ - مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۴۸۳.
- ۱۸ - علی و لید الکعبه، محمد علی الارد و بادی، ص ۵۵. ترجمه اشعار:
ولادت علی بن ابی طالب - علیه السلام - در مکه معظمه معروف است، در میان کعبه سبب ازدیاد عزت و شرف کعبه شد. ولادتش بر روی سنگ مرمر قرمزی بود که الآن آنجاست این سبب زیادی ارزش و قیمت آن سنگ گردید.
- ۱۹ - بلد: ۱.
- ۲۰ - الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۲، ص ۴۰.
- ۲۱ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۲۹۹.
- ۲۲ - انفال: ۵.
- ۲۳ - مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۲۰ - تفسیر سوره انفال، آیه ۵.
- ۲۴ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۱، ص ۵۱۰ - نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۰۷.
- ۲۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸۳، حدیث ۴ - نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶ - النحل، شیخ صدوق، ص ۲۱۲.
- ۲۶ - تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۶۲ و ۳.
- ۲۷ - سنن ابی داود، کتاب «الخراج و لاماره باب: اخراج اليهود من جزیره العرب، ۳۰۲۹.
- ۲۸ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۲۹۹.
- ۲۹ - وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۳.
- ۳۰ - المسند، ج ۶، ص ۳۵۱.

- ۳۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۳، ح ۵ - صحیح مسلم، ج ۲، ح ۱۳۷۶ - صحیح بخاری، ج ۳، ص ۶۱ ح ۱۴۸.
- ۳۲ - صحیح مسلم، ج ۲، ح ۱۳۷۱، باب فضل المدینه.
- ۳۳ - وسائل الشیعه، ج ۱، باب وجوب احترام مکه و المدینه... ح ۱۹۳۹۰ - فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۵، ح ۶.
- ۳۴ - صحیح مسلم، باب فضل المدینه، ح ۱۳۷۵.
- ۳۵ - فروع کافی، ج ۴، باب تحریم المدینه، ص ۵۶۴، ح ۵.
- ۳۶ - فروع کافی، ج ۴، باب تحریم المدینه، ص ۵۶۳، ح ۱.
- ۳۷ - النحل: ۴۱.
- ۳۸ - تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۲۰، ص ۳۴.
- ۳۹ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۶۱.
- ۴۰ - تفسیر القرآن الکریم، سید عبدالله شُبْر - تفسیر الجلالین، ذیل آیه شریفه ۴۱ سوره نحل.
- ۴۱ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۰۸، ح ۱۳۸۸.
- ۴۲ - کامل ابن اثیر، ج ۲، سال هفتم.
- ۴۳ - صالحی شامی، فضائل المدینه المنوره، ص ۴۷.
- ۴۴ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۲۸۹، باب فضل مدینه سید نارسول الله - ص -
- ۴۵ - عمده الاخبار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۶۹.
- ۴۶ - مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۵۱.
- ۴۷ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۵.
- ۴۸ - ابن توأم حمیری معروف به «خُنافر» از ساحران مشهور و با جَنیان در ارتباط بود که جَنیان برای او بعضی از کارها را باز می‌کردند.
- ۴۹ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۵ - الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۴۶۴.
- ۵۰ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۶.
- ۵۱ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۶.
- ۵۲ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۶ - الوفاء، ابن جوزی، ج ۱، ص ۳۹۹.
- ۵۳ - ابن مُسَدی عالم و حافظ قرآن و دارای سفرهای طولانی بود. او در اواخر عمرش مجاور بیت الله الحرام (جارالله) گشت و مشهور شد که شیعه شده و در سال ۶۶۳ هـ. او را ناجوانمردانه کشتند. نامش «حافظ ابوبکر بن محمد بن یوسف اُزدی غرناطی اندلسی مهلبی» بود. شذرات الذهب، ج ۵، ص ۳۱۳.
- ۵۴ - جامع الاصول، ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۳۴.
- ۵۵ - صحیح مسلم، کتاب الحج، باب: المدینه تنفی شرارها، ح ۱۳۸۵. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث بلادی، ج ۵، ص ۲۴۳.
- ۵۶ - یونس: ۲۲.
- ۵۷ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۵۵۶ - معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۵، ص ۸۳: طول مدینه $\frac{۶۰}{۳}$ درجه و عرض مدینه ۲۰ درجه است.
- ۵۸ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۳، ح ۵.
- ۵۹ - فضائل مدینه منوره، الصالحی الشامی، ص ۵۲.
- ۶۰ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۵، ص ۴۹ - ۴۶، ماده: «ع، ر، ی».
- ۶۱ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۵، ص ۴۹ - ۴۶، ماده: «ع، ر، ی».

- ۶۲ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۱۸.
- ۶۳ - فضائل المدینه المنوره. الصالحی الشامی، ص ۵۳.
- ۶۴ - عمدة الأخبار فی مدینه المختار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۷۵.
- ۶۵ - اشاره به حدیثی است که رسول خدا - ص - فرمود: «انما المدینه کالکبر تنفی خَبَّتْهَا و ینصع طیبها»؛ «همانا مدینه مثل کوره آهنگر از بین می‌برد آلودگیها را و آشکار و ظاهر می‌سازد پاکیها و فضیلتها را. کتاب الجامع، موطأ، ج ۲، ص ۸۸۶ - صحیح مسلم، ج ۲، کتاب الحج، ح ۱۳۸۳.
- ۶۶ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۲۹۸.
- ۶۷ - فضائل مدینه منوره، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، ص ۵۴ - المنجد، ماده «ق، ر، ی».
- ۶۸ - ز حذف: ۳۱.
- ۶۹ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۹، ص ۴۶.
- ۷۰ - المنجد، ماده «ق، ر، ی».
- ۷۱ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۲۹۹.
- ۷۲ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۷، ص ۳۴۰؛ مسند، احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۲۰.
- ۷۳ - الوفا بأحوال المصطفی، ابن جوزی، ج ۱، ص ۳۹۹.
- ۷۴ - وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰.
- ۷۵ - سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۰؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۳.
- ۷۶ - مؤمنون: ۳۱.
- ۷۷ - مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۲۰.
- ۷۸ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۴، ص ۱۶۰ - ۱۵۸.
- ۷۹ - زمر: ۱۶.
- ۸۰ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۲۹۸.
- ۸۱ - دلائل الامامة، ابو جعفر طبری امامی، ص ۲۸ و ۲۹.
- ۸۲ - فضائل المدینه، الجندی، ح ۱۳؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۳۰۹.
- ۸۳ - مسند، احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۸۳.
- ۸۴ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۲۲، عمدة الأخبار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۷۸.
- ۸۵ - اسراء: ۸۰.
- ۸۶ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۶، ص ۴۳۵.
- ۸۷ - المنجد، ج ۱، ماده: م، د، ن.
- ۸۸ - المنجد، اعلام، ج ۲، ص ۶۴۸.
- ۸۹ - عمدة الاخبار، ص ۷۸.
- ۹۰ - بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۹، حدیث ۱۵، باب ۶.
- ۹۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۱۹، ح ۴، باب ۷.
- ۹۲ - ترجمه اشعار: آشکار گردید بر ما ماه شب چهارده از کوههای ورودی شهر «ثنیة الوداع» واجب است بر ما حمد و ثنای الهی، مادامی که ثناگویی دارد، آمدی توای رسول خدا - ص - و شرف و عزت دادی شهر «مدینه» را، و خوش آمدی ای بهترین میهمان دعوت شده.
- ۹۳ - معجم معالم حجاز، عاتق بن غیث بلادی، ج ۸، ص ۷۰.

- ۹۴ - عمدة الأخبار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۷۴، ۷۹.
- ۹۵ - روایت مربوط به آن در نامه‌های شماره ۱۸ و ۱۷ - در ضمن حدیثی گذشت.
- ۹۶ - عمدة الاخبار، ص ۸۰.
- ۹۷ - مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۳۱۰.
- ۹۸ - فضائل المدينة المنوره، ص ۵۹.
- ۹۹ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۵۳.
- ۱۰۰ - عمدة الأخبار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۸۱ فضائل مدینه منوره، صالحی شامی، ص ۶۰.
- ۱۰۱ - عمدة الاخبار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۸۲.
- ۱۰۲ - أقرب الموارد، سعید شرتونی، ج ۲، ص ۱۳۸۱ - فضائل مدینه منوره، صالحی شامی ص ۶۰.
- ۱۰۳ - معجم معالم حجاز، عاتق بن غیث بلادی، ج ۱۰، ص ۱۳ - مجمع البحرین، طریحی، ج ۲، ماده: تَرْب.
- ۱۰۴ - تفسیر تبیان، شیخ طوسی، ج ۸، ص ۳۲۳.
- ۱۰۵ - تاریخ مدینه منوره، ابن شُبّه، ج ۱، ص ۱۶۲.
- ۱۰۶ - الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۸۸؛ تفسیر ابی السعود، محمد بن محمد عمادی، ج ۷، ص ۹۴.
- ۱۰۷ - تاریخ مدینه منوره، ابن شُبّه، ج ۱، ص ۱۶۲.
- ۱۰۸ - قاموس المحيط، فیروزآبادی، ماده: نَدَد و نَدْر.
- ۱۰۹ - وفاء الوفا، سمهودی، ج ۱، ص ۲۷.
- ۱۱۰ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۸، ص ۳۴۶.